

مفروضات - بیان غنای حقیقی وجود

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



بیان غنای حقیقی وجود - مفروضات - اثر حضرت

عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

شرافت و علویّت هر کائنی از موجودات بامری مشروط و بکیفیتی مربوط . مزیت و زینت و کمال زمین در اینست که از فیض ابر بهاری سبز و خرم گردد نبات انبات شود گل و ریاحین بروید درختان بارور پر از ثمر گردد و میوه تازه و تر بخشد گلشن تشکیل گردد چمن تزیین یابد کشت زار و کوهسار حله خضرا پوشد باغ و راغ و مدن و قری زینت یابد این سعادت عالم جماد است . اما نهایت علویّت و کمال عالم نبات در اینست که درختی در کنار جویباری از آب شیرین قد بفرازد نسیم خوشی بر او وزد و حرارت آفتاب بتابد و باغبان بتربیت او پردازد و روزروز نشو و نما نماید و ثمر بخشد و سعادت حقیقی آن در اینست که بعالم حیوان و عالم انسان ترقی کند و بدل ما یتخلّل در جسم حیوان و انسان گردد . و علویّت عالم حیوان در اینست که اعضا و جوارح و قوای آن مکمل و ما یحتاج حاضر و مهیا گردد و این نهایت عزّت و شرف و علویّت آنهاست . مثلاً نهایت سعادت حیوان در اینست چمنی سبز و خرم و آب جاری در نهایت حلاوت و جنگلی در غایت طراوت اگر چنین چیزی مهیا شود دیگر ما فوق آن سعادتی بجهت حیوان متصور نه . مثلاً مرغی در جنگل سبز و خرمی در محلّ پر لطافت بلندی بر درخت تنومندی بر فراز شاخ بلندی آشیانه سازد و آنچه خواهد از دانه و آب حاضر و مهیا باشد این از برای پرنده سعادت کلّیه است ولی سعادت حقیقی اینست که از عالم حیوان بعالم انسان انتقال نماید مثل حیوانات ذریّه که بواسطه هوا و آب در جوف انسان حلول نماید و تحلیل گردد و بدل ما یتخلّل در جسم انسان گردد این نهایت عزّت و سعادت اوست دیگر ما فوق آن عزّتی برای او تصور نشود . پس واضح و معلوم شد که این نعمت و راحت و ثروت جسمانیّه سعادت تامّه جماد و نبات و حیوان است



ORIGINAL



AUDIO

و هیچ ثروت و غنائی و راحت و آسایشی در عالم جسمانی مثل غنای این طيور نيست بجهت اينکه اين صحرا و کهسار فضاي آشيانه او و جميع دانه ها و خرمنها ثروت و قوت او و جميع اراضي و قري و چمن و مرعي و جنگل و صحرا ملک او . حال اين مرغ غني تر است يا اغنياء انسان ؟ زيرا آنچه دانه چيند و بچشد ثروتش تناقص حاصل نمايد پس معلوم شد که عزت و علويت انسان مجرد بلذات جسمانيه و نعم دنيويه نه بلکه اين سعادت جسمانيه فرع است . و اما اصل علويت انسانيه خصائل و فضائلي است که زينت حقيقت انسانيه و آن سنوحات رحمانيه و فيوضات سمائيه و احساسات وجدانيه و محبت الهيّه و معرفت ربانيه و معارف عموميّه و ادراکات عقليه و اکتشافات فنيّه است عدل و انصاف است صدق و الطاف است شهامت ذاتيه است مروّت فطريّه است صيانت حقوق است محافظه عهد و ميثاق است راستي در جميع امور است و حقيقت پرستي در جميع شؤون جانفشاني بجهت خير عموم است و مهرباني و رأفت با جميع طوائف انساني و اتباع تعاليم الهيست و خدمت ملکوت رحمانی هدايت خلق و تربيت ملل و امم است . اين است سعادت عالم انساني اينست علويت بشر در عالم امکانی اينست حيات ابدی و عزت آسمانی . و اين مواهب در حقيقت انسان جز بقوه ملکوتي الهی و تعاليم آسمانی جلوه نمايد زيرا قوتی خواهد ما وراء الطبيعه و در عالم طبيعت نمونه ای از اين کمالات ممکن ولی بی ثبات و بی بقا مثل شعاع آفتاب بر ديوار . خداوند مهربان چنین تاج و هاجی بر سر انسان نهاده پس بايد بکوشيم تا گوهر آبدارش بر جهان بدرخشد . (انتهی)